



جامعة المصطفى العالمية

مجتمع آموزش عالی فقه
مدرسه عالی فقه تخصصی
رساله دکتری رشته فقه تربیتی

تربیت جامع از منظر فقه اسلامی

استاد راهنما

حجت الاسلام و المسلمین دکتر مجید طرقي

استاد مشاور

حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن شکوری

طلبه

احمد شهامت

آذرماه ۱۴۰۰

دین‌الاحقر حاج‌المیرزا

❖ مسؤلیت مطالب مندرج در این رساله بر عهده نویسنده می باشد.

❖ هرگونه استفاده از این رساله با ذکر منبع بلا اشکال است و نشر آن در داخل کشور منوط به اخذ مجوز از

جامعة المصطفی صلی الله علیه وآله العالمیة است.

این اثر اهداء و تقدیم می شود به:

◀ پیامبر اعظم، نبی رحمت، محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم،

◀ پیشوایان معصوم علیهم السلام به ویژه منجی عالم بشریت، مهدی موعود ارواحنا له

الفداء و عجل الله فرجه الشریف،

◀ علمای اسلام به خصوص بنیانگذار انقلاب اسلامی و احیاگر ارزش های الهی

در عصر حاضر، حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه،

◀ تمامی شهدای گرانقدر، به ویژه، سردار شهید حاج قاسم سلیمانی اعلی الله مقامهم،

◀ نائب امام عصر و سکاندار نهضت اسلامی در عصر حاضر، حضرت

امام خامنه ای مدّ ظلّه العالی.

تقدیر و تشکر

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ^۱

حمد و سپاس خدایی را سزااست که انسان را آفرید و او را مزین به گوهر عقل و اختیار نمود و با ارسال رسل راه درست زیستن را به وی نشان داد تا با بهره‌مندی از عقل و وحی، به اختیار خویش مسیر تکامل را طی نموده و به عاقبت سعید و منزلگاه جاودان دست یابد.

از باب «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ»^۲ بر خویش لازم می‌دانم از همه اساتید گرانقدرم به‌ویژه استاد معزز و فقیه گرانقدر، حضرت آیت الله علیرضا اعرافی «دامت برکاته»، پایه‌گذار دانش فقه التریبیه، که سالیان متمادی، در بالندگی این دانش کوشیده و مشفقانه و کریمانه، طلاب را در مسیر فراگیری این دانش یاریگر بوده‌اند، کمال تشکر و امتنان خود را ابراز نمایم. همچنین از مدیر محترم گروه فقه تربیتی، استاد گرامی، جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر مجید طرقی «زید عزه» که با پذیرفتن راهنمایی این رساله، با بذل علم و ارائه رهنمودهای راهگشا، افق پیش رو این پژوهش را روشن فرمود و همچنین از استاد مشاور گرامی، جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن شکوری «زید عزه» که با توصیه‌های ارزنده در تکمیل این نوشتار کمک فرمود، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم. از اساتید محترم داور، حجج اسلام و مسلمین دکتر جعفر یوسفی، دکتر سید نقی موسوی و دکتر مجتبی فاضل «زید عزه» که با بذل توجه و دقت نظر، با ارائه نکات و توصیه‌های عالمانه، به رفع نقاط ضعف این رساله و تکمیل و ارتقای کیفی آن کمک نمودند، تشکر و قدردانی می‌نمایم. از درگاه خداوند متعال، سلامتی و طول عمر با عزت و عافیت همراه با توفیقات روزافزون را برای همه این اساتید گرانقدر مسألت دارم.

همچنین از جامعه المصطفی العالمیه که شرایط تحصیل علوم اهل البیت علیهم السلام را برای دانش‌پژوهان فراهم می‌کند، به‌ویژه از حجج اسلام و مسلمین دکتر علی عباسی «زید عزه» رئیس محترم جامعه، دکتر مجید تلخابی «زید عزه» رئیس مجتمع آموزش عالی فقه، دکتر یعقوب علی برجی «زید عزه» مدیر مدرسه فقه تخصصی و تمامی اساتید ارجمند و بزرگواری که بنده را از گنجینه دانش و معارف الهی خود بهره‌مند فرمودند، کمال سپاس و تشکر را ابراز می‌دارم.

از پدر و مادرم که با دعای خیرشان و از همسر مهربان، فهیم و صبورم که با همراهی و همدلی تمام‌عیار و از فرزندان عزیزم (محمدادی، زهرا، محمدعلی و محمدرضا) که با درک شرایط و حوصله و تحمل، زمینه مناسب را برای نگارش و اتمام این پژوهش فراهم نمودند، سپاسگذاری و قدردانی می‌نمایم.

و ما توفیقی الا بالله العلی العظیم

۱. سوره اعراف، آیه ۴۳: (همه ستایش‌ها ویژه خداست که ما را به این [نعمت‌ها] هدایت کرد و اگر خدا ما را هدایت نمی‌کرد هدایت نمی‌یافتیم)

۲. محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۱؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۱۳.

چکیده

پروردگار عالمیان وجود هر یک از آحاد بشر را با مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و استعدادهای بالقوه سرشته است تا این ودایع به تدریج شکوفا شوند و به نقطه کمال خود نائل آیند. فرایند «تربیت» عهده‌دار زمینه‌سازی برای شکوفایی این استعدادهای بالقوه است. از قوانین مهم تربیتی، «جامعیت در تربیت» به معنای وظیفه مربیان و تمامی دست اندرکاران تعلیم و تربیت در فراهم‌سازی زمینه رشد همه‌جانبه و متوازن متربیان است. عرضه به فقه، به عنوان دانش عملیاتی اسلام در ارائه سبک زندگی مطلوب، می‌تواند میزان اعتبار و روایی این قانون، را بسنجد. این مهم با روش فقهی و استنباط اجتهادی مصطلح و با استمداد از روش توصیفی و تحلیلی، محقق می‌گردد. در این پژوهش، سه مجموعه ادله، بررسی گردید: نخست، هشت دلیل عام اقامه شد که عبارتند از: قاعده احسان؛ قاعده نصح المؤمن؛ قاعده تأمین عدالت؛ قاعده اعانه بر بر؛ قاعده اتقان عمل؛ قاعده حرمت اعانه بر اثم؛ قاعده لا ضرر؛ قاعده لزوم دفع ضرر محتمل. بر این اساس، وجود تربیت جامع، در مرتبه‌ای که ترک آن موجب اضرار قابل توجه به تربی است، ثابت می‌گردد. در مراتب فراتر آن، که تربیت جامع موجب رشد و بالندگی و موفقیت‌مندی باشد، بر اساس این ادله، استحباب دارد. تعیین مصداق این مراتب، به عهده عرف متخصصان و کارشناسان خبره حوزه تعلیم و تربیت است. سپس، چهار دلیل خاص بر تربیت جامع اقامه شد که عبارتند از: جامعیت دستورات قرآن نسبت به ساحات تربیتی؛ آیه وقایه؛ صحیحه عبدالله بن سنان؛ دلیل عقل. از مجموع این ادله، رجحان مطلق تربیت جامع و رعایت توازن در تربیت قابل استفاده است. این حکم به تناسب موقعیت و موضوع عمل تربیتی در حکم وجوبی و یا استحبابی متجلی می‌شود. در پایان، برای هفت زیر مجموعه مهم از شؤون تربیت جامع (جامعیت جسم و روح؛ جامعیت فطرت و غریزه؛ جامعیت عقل و دل؛ جامعیت ظاهر و باطن؛ جامعیت فردیت و جامعه‌گرایی؛ جامعیت امروز و آینده؛ جامعیت دنیا و آخرت)، ادله‌ای اقامه و بررسی شد که حکم رجحان مطلق تربیت جامع، مستفاد از ادله گذشته، در این بخش تأیید و تفسیر گردید.

واژگان کلیدی

تربیت، جامعیت، تربیت جامع، فقه، فقه تربیتی.

فهرست

فصل اول: کلیات و مفاهیم..... ۱

گفتار اول: کلیات..... ۱

۱-۱. بیان مسأله..... ۱

۱-۲. سؤال اصلی..... ۴

۱-۳. سؤال‌های فرعی پژوهش..... ۴

۱-۴. ضرورت و اهمیت پژوهش..... ۵

۱-۵. قلمرو تحقیق..... ۶

۱-۶. روش تحقیق..... ۷

گفتار دوم: مفهوم‌شناسی..... ۸

الف) تربیت..... ۸

یکم. معنای لغوی..... ۸

دوم. معنای اصطلاحی..... ۱۰

ب) اصل تربیتی..... ۱۷

ج) اصل جامعیت..... ۲۰

د) تربیت جامع..... ۲۳

ه) فقه..... ۲۳

و) فقه تربیتی..... ۲۵

فصل دوم: پیشینه پژوهش..... ۲۷

الف) پیشینه فراقه‌ی..... ۲۷

- ۲۷..... یکم. در دانش فلسفه.
- ۲۹..... دوم. در دانش‌های روان‌شناسی و تعلیم و تربیت.
- ۳۷..... (ب) پیشینه فقهی.
- ۳۹..... فصل سوم: بررسی ادله تربیت جامع.
- ۳۹..... گفتار اول: مقدمه.
- ۴۷..... گفتار دوم: ادله عامه.
- ۴۸..... یکم. قاعده احسان.
- ۵۱..... دوم. قاعده «نصح المؤمن».
- ۵۲..... سوم. قاعده تأمین عدالت اجتماعی.
- ۵۴..... چهارم. قاعده اعانه بر بر.
- ۵۶..... پنجم. قاعده اتقان عمل.
- ۶۱..... ششم. قاعده حرمت اعانه بر اثم.
- ۶۲..... هفتم. قاعده لاضرر.
- ۶۴..... هشتم. قاعده لزوم دفع ضرر محتمل.
- ۶۷..... جمع‌بندی ادله عامه.
- ۶۹..... گفتار سوم. ادله خاصه جامعیت در تربیت.
- ۶۹..... یکم. جامعیت دستورات قرآن نسبت به همه ساحت‌های تربیتی.
- ۷۵..... دوم. آیه وقایه.
- ۷۹..... سوم. صحیح‌ه عبد الله بن سنان.
- ۸۳..... چهارم. دلیل عقل.

۸۴	تقریب اول استدلال.....
۸۵	تقریب دوم استدلال.....
۸۷	جمع‌بندی ادله خاصه.....
۹۲	گفتار چهارم: ادله خاص هر یک از شؤون و مظاهر جامعیت در تربیت.....
۹۳	یکم. جامعیت جسم و روح.....
۹۳	۱. مرسله از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله.....
۹۴	۲. آیه ۲۴۷ سوره بقره.....
۹۵	۳. فرازی از دعای کمیل.....
۹۶	۴. فرازی از دعای ۲۳ صحیفه سجادیه.....
۹۷	۵. مرسله جامع الأخبار.....
۹۸	۶. روایات شنا، تیراندازی و کشتی.....
۹۹	الف) روایت یعقوب بن سالم.....
۱۰۰	ب) روایت سکونی.....
۱۰۱	ج) روایت سلیم بن قیس هلالی.....
۱۰۳	جمع‌بندی.....
۱۰۵	دوم. جامعیت فطرت و غریزه.....
۱۰۵	۱. فطرت.....
۱۰۵	الف) نکته‌های عمومی در مورد فطرت انسان.....
۱۰۷	ب) نکته‌هایی در حوزه شناخت‌های فطری.....
۱۰۷	ج) نکته‌هایی در حوزه‌ی گرایش‌های فطری.....

- ۱۰۸ ۲. غریزه.....
- ۱۱۱ مرسله تحف العقول.....
- ۱۱۵ جمع‌بندی.....
- ۱۱۶ سوم. جامعیت عقل و دل.....
- ۱۱۷ ۱. توجه اسلام به بعد عاطفی و گرایشی.....
- ۱۱۸ الف) آیات جهت‌دهی گرایش‌های انسانی.....
- ۱۱۸ ب) آیات دال بر مطلوبیت حب الله.....
- ۱۱۹ ج) آیات جلب محبت الهی.....
- ۱۲۰ د) روایت برید بن معاویه.....
- ۱۲۱ ۲. جایگاه عقل در سامانه معارفی اسلام.....
- ۱۲۱ الف) در آیات قرآن.....
- ۱۲۲ ب) در روایات.....
- ۱۲۳ جمع‌بندی.....
- ۱۲۶ چهارم. جامعیت ظاهر و باطن.....
- ۱۲۸ ۱. تأثیر باطن در ظاهر.....
- ۱۲۸ الف) آیه ۵۸ سوره اعراف.....
- ۱۲۸ ب) آیه ۲۳ سوره زمر.....
- ۱۳۰ ج) روایت نهج البلاغه.....
- ۱۳۱ د) آیه ۲۹ و ۳۰ سوره محمد.....
- ۱۳۲ ه) آیه ۲۹ سوره فتح.....

۱۳۲	۲. تأثیر ظاهر در باطن.....
۱۳۲	الف) روایت غرر الحکم.....
۱۳۳	ب) روایت نهج البلاغة.....
۱۳۳	جمع بندی.....
۱۳۴	پنجم. جامعیت فردیت و جامعه گرایی.....
۱۳۵	۱. ترغیب مسلمین به حضور در جماعات.....
۱۳۶	روایت نهج البلاغة.....
۱۳۷	۲. ملتزم بودن هر شخص به تبعات عمل خویش.....
۱۳۸	۳. توجه همزمان به ابعاد فردی و اجتماعی.....
۱۴۰	تربیت بعد اجتماعی کودک.....
۱۴۰	الف) مرسله از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.....
۱۴۱	ب) مرسله از امیر مؤمنان علی علیه السلام.....
۱۴۲	جمع بندی.....
۱۴۴	ششم. جامعیت امروز و آینده.....
۱۴۴	۱. سیره عقلا.....
۱۴۴	۲. روایت یکم منسوب به امیر المؤمنین علی علیه السلام.....
۱۴۵	۳. روایت دوم منسوب به امیر المؤمنین علی علیه السلام.....
۱۴۶	جمع بندی.....
۱۴۷	هفتم. جامعیت دنیا و آخرت.....
۱۴۷	۱. دنیا و آخرت در آیات.....

- ۱۴۷ الف) نکوهش دنیاطلبی، بدون آخرت خواهی.
- ۱۴۸ - آیه ۷ سوره روم.
- ۱۴۹ - آیه ۲۰ سوره شوری.
- ۱۴۹ ب) نکوهش تارک دنیا بودن.
- ۱۵۰ - آیه ۳۲ سوره اعراف.
- ۱۵۰ - آیه ۷۷ سوره قصص.
- ۱۵۱ ج) نگاه همزمان به دنیا و آخرت.
- ۱۵۳ ۲. دنیا و آخرت در روایات.
- ۱۵۳ الف) صحیحہ ذَرِیحُ.
- ۱۵۴ ب) مرسله از امام صادق علیه السلام.
- ۱۵۶ ج) مرسله منسوب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.
- ۱۵۷ د) روایت امام کاظم و امام رضا علیهما السلام.
- ۱۵۷ ه) روایت جنادة بن أبی أمید.
- ۱۵۹ و) ادعیه طلب خیر دنیا و آخرت.
- ۱۵۹ - دعای بعد از نماز اول ماه رجب.
- ۱۵۹ - دعای اول ماه جمادی الثانی.
- ۱۶۰ - دعای اول روز از ماه محرم الحرام.
- ۱۶۰ - دعای شب عید غدیر.
- ۱۶۱ - دعا در روز عرفه.
- ۱۶۱ ز) ذکر خاصیت قرائت برخی سور قرآن.

۱۶۱	- روایت ابی بکر الخضرمی.....
۱۶۲	- مرسله از رسول خدا صلی الله علیه وآله.....
۱۶۳	جمع بندی.....
۱۶۵	فصل چهارم: جمع بندی و نتیجه گیری.....
۱۶۵	۱-۴. جمع بندی مباحث.....
۱۶۵	مقام اول).....
۱۶۶	مقام دوم).....
۱۶۹	مقام سوم).....
۱۷۳	۲-۴. پاسخ به سؤالات پژوهش.....
۱۷۸	۳-۴. ارائه پیشنهادهای پژوهشی.....
۱۷۹	منابع و مآخذ.....
Abstract

فصل اول: کلیات و مفاهیم

نخستین فصل این پژوهش، عهده‌دار تبیین موضوع مورد تحقیق و مفهوم شناسی واژگان اصلی آن است که در قالب دو گفتار ارائه و بررسی می‌شود.

گفتار اول: کلیات

در این گفتار، ابتدا، مسأله این پژوهش تبیین می‌شود و سؤالات اصلی و فرعی آن ارائه می‌گردد. سپس به اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر و روش تحقیق آن پرداخته خواهد شد.

۱-۱. بیان مسأله

انسان، برترین مخلوق خداوند متعال، موجودی ترکیب‌یافته از جسم و روح است و ابعاد متنوع و ساحات وجودی گوناگون دارد. پروردگار عالمیان وجود هر یک از آحاد بشر را با مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و استعدادهای بالقوه سرشته است تا این ودایع به تدریج شکوفا شوند و به نقطه کمالی که برای هر یک از آنها ترسیم فرموده است، نائل آیند. البته شکوفایی این استعدادهای بالقوه، درگرو مهیا شدن زمینه‌ها و شرایط لازم و فراهم شدن تمهیداتی است. به این فراهم‌سازی زمینه‌ها «تربیت» اطلاق می‌گردد.

فرایند تربیت در تمامی جوامع بشری، با رویکردهای گوناگون، در جریان است. یکی از آسیب‌هایی که در جوامع مختلف و اقشار گوناگون مشاهده می‌شود، بها دادن بیش از اندازه به برخی ساحت‌های وجودی انسان و محوریت بخشیدن به آنها و رهاسازی یا کم‌اعتنایی به برخی ساحت‌های دیگر است. این مشکل مهم، منجر به شکل‌گیری انسان‌هایی با شخصیت‌هایی نامتوازن و کاریکاتوری شده است که استعدادهایشان در برخی جنبه‌ها به خوبی رشد یافته اما در برخی جنبه‌ها، دچار نوعی فلج یا عقب ماندگی شخصیتی هستند. در نظام تعلیم و تربیت، در جوامع مختلف دنیا، هر یک بر اساس رویکردها و مبانی فکری خود، در پی دست‌یابی به قوانین و دستورالعمل‌هایی برای فائق آمدن بر این مشکلات و رفع و دفع این آسیب‌ها بر آمده‌اند. لازم به تذکر است که در هر یک از رویکردهای تربیتی موجود، مجموعه مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی را برای رساندن متربی‌ان خود، تحت عناوینی نظیر «انسان مطلوب»، «شهروند مطلوب» و «شهروند خوب» ترسیم کرده‌اند.

اسلام به عرصه تعلیم و تربیت عنایتی ویژه دارد. شاهد این توجه، مباحث، دستورات و رهنمودهای گسترده تربیتی، در منظومه معارف اسلامی است. شاید بتوان گفت که روح همه معارف اسلام بر محور «تربیت انسان کامل» جریان یافته است. بررسی اینکه مراد از انسان کامل چیست، از حوصله این پژوهش خارج است اما بررسی اجمالی این عنوان برای تبیین مسأله مقاله حاضر، ضروری به نظر می‌رسد.

به لحاظ مفهومی، هر جا که سخن از کمال است، در نقطه مقابل آن، نوعی نقص متصور است. حال باید بررسی شود که مراد از این نقص و کمال در بحث تربیت جامع چیست؟ واژه «نقص» معمولاً در نقطه مقابل دو واژه «تمام» و «کمال» به کار می‌رود. در گویش فارسی، معمولاً دو واژه «کمال و تمام، واژگانی مرادف محسوب می‌شوند^۱ اما با قدری تأمل، تفاوتی بین این دو ظاهر می‌شود.^۲

یک شیء اگر مرکب از یک سلسله اجزاء باشد، چنانچه فاقد یک یا چند جزء از اجزاء لازم باشد گفته می‌شود: ناقص است و اگر کل اجزاء مرکب وجود داشته، گفته می‌شود: تمام است.^۳ اما کامل در مقابل ناقص معنی دیگری دارد. یک شیء که از نظر اجزاء تمام است و از این نظر نقصی ندارد ولی بالقوه می‌تواند به چیز دیگری تبدیل شود؛ به این معنا که می‌تواند این شیء از مرتبه و درجه‌ای به مرتبه و درجه بالاتری، متحول شود. تا وقتی که آن مراتب را طی نکرده، عنوان «ناقص» بر آن قابل اطلاق است اما هنگامی که مراتب ممکن را طی کند، به آن «کامل» گفته می‌شود. پس «تمام» در مقایسه با اجزاء است و «کمال» در مقایسه با مراتب و درجات. کودکی که سالم و «تام الخلقه» متولد می‌شود، به لحاظ ساختار وجودی، تمام است اما از نظر «انسان بودن» ناقص است؛ یعنی انسان کامل نیست، زیرا هنوز انسانی است که می‌تواند عالم باشد و عالم نیست،

۱. رک: علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا و محمد معین، فرهنگ معین، ذیل دو کلمه «تمام» و «کمال».

۲. مرحوم علامه طباطبایی و شاگرد برجسته ایشان، استاد شهید مرتضی مطهری، ذیل آیه ۳ سوره مبارکه مائده: «الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»، به تفاوت این دو مفهوم پرداخته‌اند. رک: سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۸۸؛ شهید مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۵، ص ۲۱۷ به بعد؛ همان، انسان کامل، ص ۱۳ به بعد.

۳. مثلاً یک خانه برای اینکه خانه بشود به اجزائی نیاز دارد از پایه و دیوار و سقف گرفته تا لوازم اولیه و ضروری مثل لوله کشی و سیم کشی و درب و پنجره. تا وقتی که یک یا چندتا از اینها نباشد، هنوز ساختمان ناقص محسوب می‌شود. و هنگامی که همه اجزاء این ساختمان به آخر رسید، گفته می‌شود: الآن این ساختمان تمام است. یا اینکه اگر بچه‌ای متولد شود، که یک انگشت نداشته باشد یا کور مادرزاد متولد گردد، می‌گویند که ناقص متولد شده ولی اگر همه ارکان و اعضا و اندامهای او وجود داشته باشد، گفته می‌شود: «تام الخلقه» متولد شده است.

می‌تواند صنعتگر باشد و صنعتگر نیست و ... ولی همه اینها را بالقوه داراست، باید مراحل را طی کند تا استعدادهايش به فعلیت برسد. هر وقت استعدادهايش به فعلیت رسید آنوقت به او می‌گوییم «انسان کامل». اگر رسید به مرحله‌ای که تمام استعدادهای انسانی او - حال، استعدادهای انسانی هرچه هست - به مقام فعلیت رسید به او می‌گوییم «کامل».^۱

با این توضیحات مشخص گردید که مفهوم کمال دارای مفهومی مشکک است و هر یک از ابناء بشر، به تناسب استعدادها و ظروف و شرایط شان، می‌توانند در مرتبه‌ای از مراتب این طیف گسترده قرار گیرند.

در بحث تربیت جامع، هم سخن از تلاش مریبان برای تمام شدن متربی در میان است؛^۲ هم سخن از «کمال» است. طبعاً در جایی، سخن از «کمال» به میان می‌آید که استعدادی طبیعی در یک فرد وجود داشته باشد و این استعداد امکان این را که به فعلیت برسد دارا باشد. این امر بالقوه وقتی که به صورت طبیعی به حال بالفعل در می‌آید، هر مرحله فعلیت نسبت به مرحله امکان قبلی کمال است چون همان است که به مرحله وجود و واقعیت می‌رسد، یعنی قبل از این، به صورت مضمّر و ضمنی در شیء وجود دارد و در این مرحله به فعلیت می‌رسد.^۳ تربیت در حقیقت، فرایند زمینه‌سازی است که در آن شرایط ایجاد تغییر تدریجی، از سوی مریبان و عوامل تربیت فراهم می‌گردد.

اندیشمندان تعلیم و تربیت، بر اساس مبانی فلسفی و رویکرهای هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی خود، اصول^۴ و روش‌های تربیتی متعددی را ارائه نموده‌اند که این تلاش، در فرایند تربیت دارای برکاتی بوده است. با توجه به اینکه مقتضای اصول تربیتی، تعیین باید‌ها و نبایدهایی برای متولیان تربیت است، لازم

۱. شهید مرتضی مطهری، انسان کامل، ص ۱۴.

۲. در مورد تمامیت متربی و به تعبیر دقیق تر، «تام الخلقه» بود او، مفروض این است که وی نساب یک انسان سالم و مستوی الخلقه را دارا است. حتی اگر وی به لحاظ ظاهری، دارای نقایصی باشد، باز هم دارای یک سری استعدادهایی است که بالقوه در او وجود دارد و وظیفه مریبان و سایر عوامل تربیت است که زمینه و شرایط را رشد و شکوفایی جامع و متوازن این مواهب الهی فراهم نمایند.

۳. شهید مرتضی مطهری، انسان کامل، ص ۱۵.

۴. تعریفی که می‌توان به اختصار برای اصول تربیتی ارائه نمود این است:

«دستور العمل‌هایی که چگونگی عمل تربیت را تبیین و مشخص می‌کند و راهنمای فعالیت مریبان است». برای ملاحظه بررسی تفصیلی تعریف اصل، رک: احمد شهاست، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت ارزشها بر مبنای فطرت، ص ۱۴.

است بر اساس معارف اسلام، روایی و اعتبار یک، با تکیه بر روش اجتهادی و استنباط فقهی مورد بررسی قرار گیرد.^۱ از مهمترین اصول تربیتی، همین «جامعیت در تربیت» است. در این پژوهش، این قانون تربیتی، به محک فقه آزموده خواهد شد و حکم فقه در مورد این اصل و شقوق و زیرمجموعه‌های آن به استناد به ادله شرعی بررسی خواهد شد.

۱-۲. سؤال اصلی

با توضیحی که در بیان مسئله بیان گردید، سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از:

حکم تربیت جامع از منظر فقه اسلامی چیست؟

۱-۳. سؤال‌های فرعی پژوهش

در این پژوهش، چند سؤال فرعی وجود دارد که پاسخ به هر یک از آنها، زمینه ساز پاسخی به سؤال اصلی تحقیق را فراهم می‌آورد. این سؤالات عبارتند از:

۱. تعریف «تربیت جامع» چیست و شئون و عرصه‌های ذیل آن کدام است؟

۲. دلیل عقلی بر تربیت جامع چیست؟

۳. ادله عام نقلی برای تربیت جامع و عرصه‌های ذیل آن کدام است؟

۴. ادله خاص نقلی تربیت جامع و عرصه‌های ذیل آن چه می‌باشد؟

سؤال فرعی ۵. در صورت تنافی بین اصل جامعیت در تربیت، با اصل رعایت تناسب با توان متربی، حکم چیست؟

۱. البته باید اذعان نمود که این اصول و روش‌ها تاکنون با رویکرد فقهی مورد تحلیل و بررسی قرار نگرفته است.

۱-۴. ضرورت و اهمیت پژوهش

انسان اشرف مخلوقات است و پروردگار عالمیان مجموعه‌ای متنوع از استعدادها را در وجود او نهاده است. همانگونه که اشاره شد، وظیفه مربیان و عوامل تربیت، فراهم ساختن تمهیدات و مقدمات لازم برای رشد و شکوفایی هر چه بهتر و والاتر این استعدادهای خدادادی است که نتیجه آن، تربیت انسان‌های نسبتاً کامل، توانمند، موفق، مؤثر و کارآمد برای خدمت به جامعه بشری است. البته بدون داشتن نگاه جامع، دستیابی به این مقصد والای انسانی ممکن نخواهد بود، زیرا غفلت از نگاه جامع در فرایند تربیت و اهداف آن، معمولاً منجر به تربیت اشخاصی تک‌بعدی با شخصیت‌هایی نامتوازن و کاریکاتوری می‌گردد. دانشمندان تعلیم و تربیت از دیرباز، بر نگاه جامع به تربیت انسان و فراهم‌سازی زمینه‌های تربیت جامع بشر توجه و تأکید داشته‌اند. این نگاه جامع در اعمال مجموعه‌ای از اصول عام تربیتی متجلی گشته است که بسیاری از دانشمندان این عرصه، بر نصب العین قرار گرفتن این دستورات عام، در تمامی مراحل تربیت تأکید داشته‌اند. امروزه نیز دانش تعلیم و تربیت بر اهمیت این اصول تربیت^۱ صحه می‌گذارد. از آنجا که اصول تربیتی مشتمل بر باید و نباید است، لازم است که میزان اعتبار و روایی هر یک از این اصول از دیدگاه فقهی مورد بررسی قرار گیرد. بررسی فقهی تمامی این اصول از توان این تحقیق خارج است. عنوان «تربیت جامع» شامل شوون و محورهای نظیر جامعیت عقل و دل، جامعیت جسم و روح، جامعیت فطرت و غریزه، جامعیت فردیت و جامعه‌گرایی، جامعیت امروز و آینده، جامعیت دنیا و آخرت است. این پژوهش، با بررسی اصل «جامعیت در تربیت» و شوون و فروع ذیل آن و تعیین حکم آنها از دیدگاه فقه اسلامی، میزان اعتبار و روایی اصل مذکور را در عرصه تعلیم و تربیت اسلامی مشخص می‌نماید. این اقدام به سهم خود، گامی است در راستای ارائه نظریه جامع تربیتی بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام، که در حد خود، اقدامی حائز اهمیت می‌باشد. طبعاً گام بعدی که بسیار مهم است، نحوه پیاده‌سازی این جامعیت در فرایند تربیت در قالب دانش‌هایی نظیر تربیت اخلاقی و تربیت اجتماعی است که خود نیازمند پژوهش‌هایی مستقل است.

جنبه جدید بودن و نوآوری و نظریه‌پردازی تحقیق

1. The Principles Of Education.

همانگونه که در بحث سابقه پژوهش بیان خواهد شد، در زمینه تبیین نگاه جامع اسلام در تعلیم و تربیت، فعالیت‌هایی قابل توجه از سوی پژوهشگران این عرصه انجام گرفته است؛ با این وجود، در هیچ‌یک از این اقدامات، اصول عام تعلیم و تربیت از جمله، «جامعیت در تربیت» از منظر فقه اسلامی و با رویکرد و روش استنباط فقهی مورد بررسی قرار نگرفته است. این پژوهش در پی آن است که بر اساس ادله اربعه، حکم فقهی این اصل مهم تربیتی را از منظر فقه پویای شیعه استخراج نماید.

۱-۵. قلمرو تحقیق

پژوهش حاضر محدود به مکان و دوره زمانی خاصی نیست. اگرچه به لحاظ موضوع، به عرصه فقه و تعلیم و تربیت محدود می‌باشد، با این وجود، لازم به نظر می‌رسد که از یافته‌ها و محصولات پژوهش‌های سایر دانش‌ها از جمله روان‌شناسی و فلسفه نیز بهره برداری گردد.

۱-۶. روش تحقیق

روش‌شناسی فقه تربیتی، تابع روش‌شناسی دانش فقه^۱ است^۲ و پژوهش حاضر نیز از همین رویه تبعیت می‌کند. البته از آنجا که در موارد متعدد، تنقیح و شفاف شدن موضوع و تبیین مسئله نیازمند بررسی‌های توصیفی است، روش این تحقیق، روش استنباط اجتهادی (با مختصات مصطلح در فقه) است که در کنار آن، از روش توصیفی و تحلیلی^۳ نیز بهره گرفته می‌شود.

۱. فقه تربیتی بخشی از بخش‌های دانش فقه است که به دلیل اهمیت، گستردگی و ضرورت‌های مسائل تربیتی، استقلال یافته است؛ اما در روش‌شناسی آن هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود و همان روش فقهی است. فرایند روش تحقیق در فقه را می‌توان این‌گونه ترسیم کرد:



بحث تفصیلی، رک: علیرضا اعرافی، فقه تربیتی، ج ۱ (مبانی و پیش‌فرض‌ها)، ص ۲۲۲.

۲. هرچند تخصصی شدن موضوع در فقه تربیتی تأثیرهایی بر مراحل از چرخه پژوهش دارد که عبارت‌اند از: مراحل طرح پرسش، تحدید موضوع، پیشینه‌شناسی، فهم ادله قرآنی و روایی، «تشخیص و تطبیق عناوین اولیه بر مصادیق تربیتی»، «تشخیص و تطبیق عناوین ثانوی بر مصادیق تربیتی» و «تشخیص تحول در مصادیق موضوع‌های تربیتی».

۳. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی، نوع سوم از انواع تحقیقات توصیفی است. در ادامه، به اختصار، جایگاه این روش تحقیق تبیین می‌گردد. برای مطالعه تفصیلی این بحث، رک: احمد شهاست، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت ارزش‌ها بر مبنای فطرت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ص ۱۴.

در علوم انسانی چند نوع تحقیق را می‌توان نام برد: ۱. انتقادی ۲. تبیینی ۳. بنیادی ۴. کاربردی ۵. توصیفی. (لازم به ذکر است که این روش‌های تحقیق لزوماً قسیم هم نمی‌باشند) مراد از تحقیق توصیفی، توصیف عینی، واقعی و منظم حوادث، رویدادها و موضوعات مختلف می‌باشد. در تحقیقات توصیفی، محقق به دنبال چگونه بودن موضوع است و می‌خواهد بداند پدیده، متغیر یا مطلب چگونه است به عبارت دیگر، این تحقیق وضع موجود را بررسی می‌کند و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی آن می‌پردازد، ویژگی‌ها و صفات آن را مطالعه و در صورت لزوم، ارتباط بین متغیرها را بررسی می‌نماید.

مهمترین جنبه نظری و یا توانمندی این روش تحقیق عبارت از فراهم کردن امکان تحقیق بر روی مسائل، مشکلات و موضوعاتی است که (بنا به دلایلی متعدد) به صورت تجربی میسر نیست. مثلاً در «بررسی اثرات تنبیه در کودکان و نوجوانان» نه مسئولان آموزش و پرورش به محقق اجازه می‌دهند که وی هر طور که می‌خواهد با کودکان و دانش‌آموزان رفتار کند تا اثرات سوء تنبیه مورد بررسی قرار گیرد نه والدین این کودکان به محقق این اختیار را می‌دهند. در این تحقیقات معمولاً از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی متون و محتوای مطالب استفاده می‌شود.

انواع تحقیقات توصیفی: ۱. زمینه‌یابی یا به‌نانه‌گر؛ ۲. موردی یا ژرفانگر؛ ۳. قوم‌نگاری؛ ۴. تحلیل محتوا؛ به منظور توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم به صورت نظام‌دار انجام می‌شود. قلمرو این تحقیق، متن‌های مکتوب، شفاهی و تصویری درباره‌ی موضوعات خاص تشکیل می‌دهد نظیر کتاب‌ها، مقاله‌ها، روزنامه‌ها، مجلات، مطالب نوار و فیلم، سخنرانی‌ها و ... محقق در چنین تحقیقی به دنبال تجزیه و تحلیل و توصیف مطالب است.